

نبرد حبابها درباره اسم «شورای ملی»!!

امیر فیض- حقوقدان

ظرف یکی دو هفته اخیر چنان بلبشویی در شورای به اصطلاح ملی!! بوجود آمده و آن شورا شقه، شقه شده که بنده با همه علاقمندی نتوانستم درک کنم که قضیه چیست و چه کسانی در کجاها قرار دارند، و هر قدر هم که آقای «جاوید ایران» برایم توضیح داد به آن درکی که باید میرسیدم نرسیدم، لذا این تحریر به کلیت نبرد حبابها درباره اسم شورا اختصاص داده میشود.^۱

آنطور که پیداست و بر آن تردیدی بظاهر نیست این است؛ عده ای از آقایان که بنابه اظهارات آقای فرخ پیرنیا، عضو شورای عالی شورای ملی ایران!! بوده هستند، از جمله خود آقای فرخ پیرنیا و یارانانشان، نام شورای ملی را در آلمان به ثبت رسانده اند و این اقدام اینان به این مناسبت بوده که:

- ۱- آقای پیرزاده و خانم نازیلا گلستان و دیگران نتوانستند و یا نخواسته اند که نام شورای ملی را در فرانسه به ثبت برسانند.
- ۲- تخلفات و جرائمی صورت گرفته که این حضرات ناچار شده اند شورای ملی را به ثبت برسانند و آنرا خود مدیریت کنند.
- ۳- شورای جدید برخلاف شورای ملی ثبت نشده (!! سابق وفادار به اصول اخلاقی و انسانی و مردمی، خود را معرفی میکند و تقاضای استقبال عمومی را دارد(!)
- ۴- شورای ملی تازه، اساسنامه و آرمان نامه و آئین نامه هائی خواهد داشت که برای تصویب و رسمیت یافتن به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد کرد (!)

نام شورای ملی، لحاف ملانصرالدین

دعوی حبابها بر سرچیزی است که قانونا قابل استفاده نیست؛ یعنی نام شورای ملی نه قابل ثبت کردن است و نه قابل استفاده برای انسانها، مقید به امر قانون.

چرا قابل ثبت کردن نیست

ثبت علائم و نامها که تحت عنوان علائم فکری در قوانین کشورها پایده شده در رابطه با کنوانسیون پاریس است که در سال ۱۸۸۳ بتصویب رسید و به مرور با متمماتی امروز تقریباً تمامی کشورها به آن پیوسته اند و ایران هم در سال ۱۳۳۷ به آن پیوست.

البته کنوانسیون پاریس به کلیات توجه داشته و دست کشورها را در آئین نامه های اجرای قانون باز گذارده است.

^۱ - نوشته بودم، هندوانه زرد بی مصرفی به گند کشیده شده و افتاده و شقه، شقه شده است. اگر خود «شوراچی ها» بدانند کجا ایستاده اند اگر خودشان که سه چهار دسته شده اند بدانند چه میگویند شاید بتوان درک درستی از این شورا بدست آورد و گرنه هندوانه گندیده از هم پاشیده که نامش «هندوانه» هم نیست... ح-ک

ولی بامطالعه اجمالی میتوان گفت که اجرای اصول کلی کنوانسیون درکشورها مشابه است.

جهات تشابهی که قابل ذکر است میتواند درمسائل زیرباشد:

الف- نام و علامت درموارد زیرقابل ثبت نیست و درصورت ثبت ابطال آن بادادگاه است.

- ۱- علامت و نامی که نتواند خدمات و یا نوع کالای موسسه را از موسسه دیگرباهمان نام متمایزسازد.
- ۲- هرگونه نام و علامت توسط اشخاص طبیعی و یا حقوقی که استفاده از آنها عرفا باعث گمراهی و فریب مردم بشود، غیرقانونی است درتوضیح بالا آمده است.
- ۳- اسامی و یا عناوینی که ماهیت و طریقه استفاده از آن موجبات فریب و اشتباه مراکز تجاری و یا عمومی را نسبت به ماهیت موسسه فراهم سازد قابل ثبت نیست و این قبیل نامها بدون ثبت هم دربرابر عمل مخالف قانون اشخاص ثالث حمایت میشوند.

نام شورای ملی در رابطه قانون ثبت نام و علائم تجاری

ثبت نام شورای ملی ایران بمناسبت عدم تطبیق با ردیف دوم ممنوعیت قانون ثبت نام و علامت، ثبت آن مورد حمایت قانون نخواهد بود و هرذینفعی میتواند بامراجعه به دادگاه ابطال آنرا خواستار شود زیرا که نام «شورای ملی ایران»، همانطور که درتحریرات قبل بحث شد در مفهوم ((تعلق شورا به ملت ایران)) است و چیزی که متعلق به ملت باشد قانون موجد آن میباشد و نه افراد و اداره ثبت و سوم اینکه دولت بر آن موسسه حقوقی نظارت دارد و یا قانون حق نظارت دولت راساقت کرده است.

بنابراین «شورای ملی ایران» در صورت ثبت، رساگر آن است که شورای مزبور یک سازمان ملی متعلق به ملت و بانظارت دولت جمهوری اسلامی است و چون این شرائط در اسناد و مدارک ثبتی شورا وجود ندارد لذا نام شورا باماهیت فعالیت شورا هماهنگ نبوده موجبات فریب و اشتباه مراکز سیاسی و یا عمومی و یا دولتی (دولت ایران) را نسبت به ماهیت شورا فراهم میسازد.

بنابراین بیش از هرکس جمهوری اسلامی حق دارد که خواستار ابطال ثبت نام شورای ملی ایران بشود.

شاهدی بعنوان نمونه

دو سال قبل از شورش ۵۷ سازمانی در تهران بنام «سازمان مجامع بین المللی» که ریاست افتخاری آن با جناب آقای اردشیر زاهدی و مدیریت آقای دکتر مهدی پوشهری همسر و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بود برای اداره و سرویس دادن به مجامع بین المللی که در تهران تشکیل میگردد تاسیس شد.

از آنجا که مشاورین حقوقی سازمان مزبور آقای دکتر باهری وزیر داد گستری و بنده بودم نسبت به تهیه مدارک و ثبت آن اقدام و اسناد لازم به اداره ثبت که در آن موقع رئیس اداره آقای نراقی بود بوسیله کارمند سازمان ارسال شد، کارمند مزبور خبر آورد که اداره ثبت با ثبت سازمان موافقت نکرده و آقای نراقی گفتند از قول من به امیرفیض بگوئید بیاید باهم صحبت کنیم.

آقای نراقی با خواندن ماده قانون ثبت نام های تجاری، بمن گفت نام سازمان مجامع بین المللی سبب گمراهی مردم وکشورها خواهد شد واین نام خیلی نزدیک به نام «سازمان ملل» است پس از قدری گفتگو پیشنهاد بنده را به اینکه نام سازمان به «سازمان ایرانی مجامع بین المللی» تغییر داده شود پذیرفته شد.

نمونه دوم

شخصی بنام آقای کامران دیبا که گفته میشد از بستگان علیاحضرت است یک بوتیک بسیار مجلل دریکی از خیابانهای فرعی تخت جمشید دائر کرده بود ونام بوینک خودرا **Number one** (نمره اول) گذاشته ولباسهای گران قیمت میفروخت، فروشندگان لباس های مردانه درخیابانهای دیگر ازجمله لاله زار به این نام اعتراض کردند وگفتند که این نام مردم رابه اشتباه می اندازد که دولت عنوان نمره اول را به آن شخص داده و سبب زیان ما میشود (درجریان دعوای دادگستری بنده وارد نبودم).

این نمونه هابدان سبب آورده شد که بدانیم نامهایی که از مصادیق ریا کاری و رقابتهای مکارانه و ایجاد سوء تفاهم کند از جمله «شورای ملی ایران» ثبت آن گرچه ممکن است ولی از طریق دادگاه، ثبت آن باطل میگردد.^۲

مزاحمت حبابها

اینکه بنام «شورای ملی ایران» هیچگونه اعتراضی نشده وچنانکه نسبت به نام «شورای ملی مقاومت» (مجاهدین) و «شورای مقاومت ملی» (بختیار) که موضوع فعالیتشان هم یکسان بوده و میباشد (هر دو مخالف نظام سلطنتی مشروطه - مخالف جمهوری اسلامی - طرفدار سکولاریسم) هیچگونه اعتراض قانونی بعمل نیامده؛ از این باب است که کسی برای ترکاندن ویا متوقف کردن حبابهایی که اطفال از آب وصابون به هوا میفرستند کفش و کلاه نمیکنند ودیدید که «شورای مقاومت ملی بختیار» چگونه ترکیب و اکنون هم خواهید دید که «شورای ملی ایران»!! چگونه بزودی خواهد ترکیب.

ثبت نام شورای ملی بوسیله اعضای شورای ملی

ثبت نام شورای ملی ایران بمناسبت اینکه سابقه ثبت ندارد برای افراد بلامانع است، گرچه قانون اجازه داده که استفاده کننده از نام «شورای ملی» اگر بتواند ثابت کند که امتیازاتی از آن نام داشته قادر خواهد بود ثبت آن نام را باطل کند ولی نکته قابل توجه دراین است که رعایت اصول اخلاقی که در اظهارات آقای پیرنیا آمده اجازه این تجاوز به حق را نمیدهد؛ اصول اخلاقی بغیر از اصول قانونی است.

آقایان حدود ۵ ماه زیرهمین نام «شورای عالی شورای ملی»!! کسب موقعیت داشته اند واین رساگر آن است که آنان با آنکه میدانستند که شورای ملی به ثبت نرسیده حقوق نام شورا را محترم شمرده اند و

^۲ - در قوانین ثبت شرکتها و علامت های تجاری در کانادا، هر چیزی که در گفتار صدایی شبیه نام مشابهی بدهد هم قابل ثبت نیست بطور نمونه اگر کسی نام تجاری McDonald's را ثبت کرده که نام رستورانی است، شخص دیگری رستوران ویا تجارتی در ارتباط با خوراک با نامی که صدایی شبیه آن نام میدهد؛ Mak Don All's گرچه حروف و ترکیب فرق دارد ولی چون صدایی مشابه میدهد و هر دو در تجارت خوراک هستند دومی قابل ثبت نیست و اگر هم اشتباه ثبت شده باشد صاحب نام نخست با یک حرکت حقوقی جلوی کار موسسه دوم را می گیرد. این است که شرکت های مهم نام های مشابه را خودشان برای جلوگیری از دعوای گران بعدی ثبت میکنند. If it sounds phonetically the same cannot be registered..

چنین سوء استفاده ای در شان کسی که مدعی است میخواید کارسیاسی تمیز بکند و انتظار استقبال مردم را دارد نیست.

این عمل گرچه صورت قانونی دارد ولی خیانت به اعتماد و اطمینان تلقی میشود و چه بسا که اگر دست اندرکاران شورا میدانستند که چنین اعتمادی وجود ندارد اقدام دیگری از جمله ثبت نام بی محتوای شورای ملی رامیکردند.

این کار بیسابقه نیست؛ در همین دوران مبارزه در خارج، کسانی با سوء استفاده از اعتبار همفکر و همکار شان نام ها و علائم را یکطرفه بنام خودشان به ثبت رسانده اند که بعدها سبب کشمکش شده است.^۳

بهانه ها برای فرار از اتهام

آقای پیرنیا یک سری اتهامات مفصل که هریک فصل مشروحو را طالب است به شورای عالی و دفترسیاسی! (شورای به اصطلاح ملی!) نسبت داده است و درحقیقت خواسته است اتهامات مزبور را دلیل ثبت نام «شورای ملی» بنام خودشان معرفی کنند.

بهانه واستدلال بسیار پوک و فکاهی است دقیقا مثل اینکه کسی بدهی شما را نمیدهد شما هم زن او را تصاحب کنید، برای احراز تخلفات و سوء استفاده و بطورکلی برعهدهی باید به دادگاه رفت نه نام طرف را بنام خود ثبت کرد... این مصداق <خود گوزی و خود خندی است>.

یک وقت اعضای عادی «شورای به اصطلاح ملی!!» دست به این خودسری میزنند؛ یعنی درمقابل شورای عالی می ایستند و اعتراض میکنند و حتی نام شورا را به نام خودشان ثبت میکنند ولی یکوقت تعدادی از اعضای شورای عالی! که خودشان مسئول شناخته میشوند معترض هستند؛ این یعنی مدعی و مدعی علیه یکنفر بودن است که فکاهی ترین چیزاست.

تمام ادعاهائی که حضرات عنوان کرده اند متوجه شورای عالی و دفترسیاسی است زیرا تازمانی که حباب

شورای ملی ایران! نزدیک به ترکیدن نبود، حضرات مرتبا در آن حباب جای خوش کرده بودند و همیکنه

بوی الرحمن شورا بلند شده حضرات هم حق شناس و مردم دار و نگران سرنوشت شورا شده اند.

نظیر کارحضرات دقیقا در جریان انقلاب مشروطیت قابل ملاحظه است که وقتی مخالفان مشروطیت دیدند که غروب مخالفان نزدیک است انشعاب کردند و گروه تازه طرفداری از مشروطیت را درست کردند.

مثالی برای تقرب افکار

^۳ - ثبت نام «سازمان سرباز» بصورت انگلیسی از یک گروه و بصورت پارسی از سوی سرهنگ هوشنگ وزین موجب اختلاف است. که هر دو مایل بودند نام «پارسی» را در بین ایرانیان مصرف کنند. ح-ک

شخصی بایک آگهی مردمی که سخن از نجات کودکان بی سرپرست را دارد مواجه میشود، (شورای ملی!) میرود و عضو میشود ولی می بیند که این سازمان حقیقت کارش در ربودن اطفال و فروختن آنهاست، آیا اگر یک انسان صدیق باشد فوراً کناره گیری میکند و یا ۵ ماه با آنها همکاری میکند؟؟ ولی وقتی فهمید که دکان آدم ربائی دارد تعطیل میشود آنوقت اعلام جدائی میکند و مانند آقای پیرنیا و همکارانشان یک سری اتهامات هم به همکاران دیروزشان میزنند؟؟!

مسئولیت مدعیان

اینکه حضرات میگویند «ما نمیخواهیم وارد جزئیات مسائل گذشته شویم» معلوم است که هیچ متهمی نمیخواهد کثافتکاریهایش فاش شود و از آنجا که این حضرات خودشان در جزء، در کل کارهایی که بنام شورا صورت گرفته مسئول هستند از قبیل نامه بیعت به خامنه ای - قطعنامه شورا و ماده ۱۱ آن و شرکت در انتخابات با آن دستور مفتضح و غیره و مادامی که به اقدامات آنان رسیدگی نشود بهیچوجه صلاحیت اداره شورای دیگری را نخواهند داشت.

یکی از مسئولیت های مشخص شورای عالی شورای ملی، رسیدگی به وجوهی است که شورای ملی بوسیله رسانه های گروهی جمع آوری کرد و نیز ممر درآمدی که هزینه های اجتماعات شورا را تامین نموده است، در غیر این صورت ایرانیان حق دارند که به فعالیت های شورای ملی سابق و لاحق به یک دکان حرفه ای ثبت شده برای کلاهبرداری نگاه کنند.

